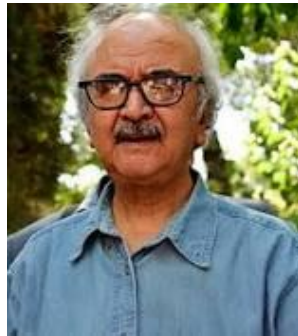


ادامه درس هفتم: شعر خوانی



محمد رضا شفیع کدکنی متخلص به م. سرشک در ۱۹ مهر ماه ۱۳۱۸ در روستای کدکن، یکی از ولایت های دوازده گانه ی نیشابور کهن، و در خانواده ای روحانی چشم به جهان گشود. از کودکی به تشویق پدر به حفظ و فراگیری شعر و آثار ادبی پرداخت / تحصیلات: دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران / پیشه: شاعر، استاد دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده / سبک: سبک نو (سبک نیمایی) / دین: اسلام / مذهب: شیعه

شعر خوانی صبح ستاره باران

ای مهربانتر از برگ در بوسه های باران / بیداری ستاره، در چشم جویباران

قلمرو زبانی: ای: حرف ندا / جویباران: مرکب از جوی + بار + ران / باران و جویبار: تناسب
قلمرو ادبی: بوسه بازان، بیداری ستاره، چشم جویباران: هر سه تشخیص، استعاره / بوسه و مهربانتر: مراعات / چشم و بیداری: مراعات /

واج آرایی: (ب) و (ر) / جویبار: مجاز از آب جویبار

قلمرو فکری: معنی: ای کسی که مهربانی تو از مهربانی باران با برگ درختان بیشتر است. تو همانند انعکاس نور ستاره در آب جویبارها هستی

آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل / لبخند گاهگهت صبح ستاره باران

قلمرو زبانی: گاه گاه: قید / ستاره باران: مرکب
قلمرو ادبی: آینه نگاه: اضافه تشبیهی / لبخند گاهگهت صبح ستاره باران: تشبیه / تکرار: صبح
قلمرو فکری: نگاه تو همانند آینه است که زیبایی صبح و ساحل را نشان می دهد و لبخندی که گاه گاه بر لب داری مانند صبح پر از ستاره است

باز آ که در هوایت خاموشی جنونم / فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

قلمرو زبانی: هوا: آرزو، امید / برانگیخت: فعل پیشوندی: به معنی بلند کرد
قلمرو ادبی: فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران: استعاره مکنیه / سنگ و کوهسار / خاموشی و فریادها: تضاد
قلمرو فکری: ای یار برگرد که در آرزوی تو سکوت دیوانه بار من سنگ کوهساران را وادار به فریاد کرد

ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی شماران

قلمرو زبانی: بی شماران: افراد بی شمار، صفت جانشین اسم
قلمرو ادبی: جویبار: مجاز از آب جویبار / برگ: مجاز از درخت / ای جویبار: تشخیص / کف: مجاز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی شماران: کنایه است از دست دادن چیزی
قلمرو فکری: ای آب جاری جویبار از سایه درخت فرار مکن. بسیاری مانند تو فرصت را از دست داده اند و پشیمانند
مفهوم: اغتمام فرصت



گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتیم: «بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران»

قلمرو زبانی: به روزگاران: در طی ایام / گفتی و گفتم: اشتقاق

قلمرو ادبی: تلمیح به بیت سعدی / تضمین به شعر سعدی که می گوید:

سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران»

تکرار: روزگاران / مهر بر دل نشستن: کنایه از ایجاد علاقه

قلمرو فکری: ای سعدی تو گفنی که با گذشت زمان عشقی بر دل می نشیند (و آن عشق از دل بیرون نمی رود به جز با گذشت

زمان) من می گویم که حتی با گذشت زمان نیز آن عشق بیرون نمی رود.

مفهوم: ناممکن بودن خلاص شدن از عشق و پایان ناپذیری عشق

پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران

قلمرو زبانی: بسیار: قید / نقش و دیوار: تناسب / یادگار: دو تلفظی است

قلمرو ادبی: دیوار زندگی: اضافه تشبیهی است / نقش و یادگار: تناسب / نقش بستن بر دیوار: کنایه از یادگاری نوشتن

قلمرو فکری: قبل از من و تو افراد زیادی بودند که در زندگی خود یادگارهای فراوانی به وجود آوردند **مفهوم:** ناپایداری

زندگی

وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی ست آواز باد و باران

قلمرو زبانی: نغمه: نوا، سرود / ترکیب وصفی: این نغمه

قلمرو ادبی: بین نغمه، آواز و باد و باران: تناسب / باقی ماندن آواز باد و باران: کنایه از جریان داشتن زندگی /

قلمرو فکری: سخن عشق و محبت ما بعد از ما نیز برای همیشه جاودان خواهد ماند **مفهوم:** پایداری و ماندگاری عشق

مثل درخت در شب باران. محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)

درک و دریافت:

۱- این شعر را با متن درس ششم از نظر لحن و آهنگ خوانش مقایسه کنید.

جواب: استفاده از آرایه های واج آرایی و تکرار و همچنین بهره گیری از قافیه های زیبا موسیقی این شعر را تاثیر گذار کرده

است

قالب شعر مولوی در درس ششم مثنوی است اما قالب این شعر غزل است لحن نیایش است اما لحن این شعر لحن تغزلی است

آهنگ شعر مولوی آهنگ

۲- شفیعی کدکنی، در کدام بیت، از شاعری پیشین تأثیر گرفته است؟ توضیح دهید.

بیت ۵ - که شفیعی این شعر را تحت تاثیر سعدی سروده است.